

رمز گشایی از زندگی اجتماعی

ابن خلدون متفکر مسلمانی است که دانش جامعه‌شناسی امروز مرهون تلاش‌های اوست؛ کسی که علم تاریخ را متحول کرد و ایده‌های شگفت‌انگیزی در باره پیامدهای اقلیم بر خلق و خوی انسان‌ها داشت

سید مصطفی صابری | روزنامه‌نگار

پرونده

امروز سالروز تولد ابن خلدون است؛ ۲۷ می ۱۳۳۲ میلادی بود که دانشمندی شگفت‌انگیز در تونس به دنیا آمد و با تلاش‌هایش کاری کرد که علوم انسانی قرن‌ها بعد به‌شکل جالبی مرهون آثار و ایده‌هایش بماند. بسیاری او را «پدر علم جامعه‌شناسی» می‌دانند، چرا که اولین کسی بود که تاریخ و اجتماع را به شکل علمی و با رویکرد بررسی علت‌ها، ساختارها و پویایش جامعه‌ها مطالعه کرد. تا پیش از ابن خلدون، تاریخ‌نگاری بیشتر گزارش رویدادها بود، اما او «قانون‌های پنهان حاکم بر جوامع» را کشف کرد و نشان داد چرا تمدن‌ها ظهور می‌کنند، رشد می‌کنند و نهایتاً سقوط خواهند کرد. ابن خلدون برای اولین بار واژه و مفهوم «عمران» (عمران = تمدن و جامعه) را مطرح کرد. او پدیده‌های اجتماعی را همچون یک موجود زنده بررسی کرد که دوره تولد، رشد و مرگ دارند. مطالعات و نظریات او در اثر معروفش یعنی «مقدمه»، در واقع پایه و الگویی برای جامعه‌شناسان سال‌ها بعد (مانند آگوست کنت، مارکس و دورکیم) شد. کتاب «مقدمه» او، نخستین اثر منسجم در تحلیل ساختار و پویایی جوامع است. ابن خلدون معتقد بود فقط عوامل سیاسی تاریخ‌ساز نیستند، بلکه اقتصاد، فرهنگ، روحیه عمومی مردم و رابطه دولت و جامعه باید همه با هم تحلیل شود. جایگاه ابن خلدون در علم تاریخ چنان رفیع است که اگر نولد توین‌بی (تاریخ‌نگار مشهور انگلیسی)، او را «بزرگ‌ترین فیلسوف تاریخ» می‌نامد و می‌گوید نظریات او «در خشان‌ترین و اصیل‌ترین دستاورد در فلسفه تاریخ در سراسر جهان» است. رالف لینتون و رابرت ناپلز (جامعه‌شناسان برجسته غرب)، تأکید می‌کنند که مفاهیم چرخه حیات تمدن و تحلیل تحول اجتماعی که امروزه در جامعه‌شناسی مدرن به کار می‌رود، برای اولین بار به‌طور سیستماتیک در آثار ابن خلدون دیده می‌شود. بخش‌های زیادی از زندگی امروزی که پیامد علوم انسانی است به‌شکلی غیر مستقیم روی خشت‌هایی بنا شده که ابن خلدون پایه‌ریزی کرد و بعداً با تغییراتی تکامل پیدا کرد تا به انسان دید بهتری نسبت به زندگی بدهد. ابن خلدون به ما آموخت جامعه یک نظام زنده، پویا و قابل تحلیل علمی است. ایده‌هایی مثل پویایی تمدن‌ها، نقش اقتصاد و روحیه جمعی، اثر محیط و جغرافیا روی عادات و اخلاق، امروزه هسته بسیاری از نظریات جامعه‌شناسی معاصر را شکل می‌دهد. حتی ایده‌های مدیریتی جدید درباره چرخه عمر سازمان‌ها، شهرها و دولت‌ها ریشه در مدل تحلیلی ابن خلدون دارد. او به ما یاد داد که نباید جوامع را منفعل، ایستا یا صرفاً تابع پادشاهان و سیاست‌بینیم. بلکه آن‌ها را باید سیستمی دید که مجموعه‌ای از عوامل (فرهنگ، اقتصاد، سیاست، اخلاق، جغرافیا و محیط زیست) آن‌ها را تغییر می‌دهد. در این پرونده به بهانه سالروز تولدش سراغ زندگی و بخش‌هایی از دیدگاه‌های او می‌رویم.

تولد، تبار و سال‌های زندگی

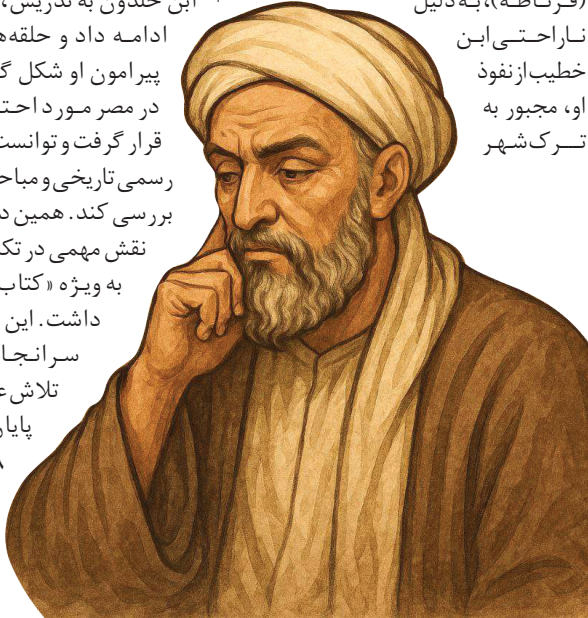
دول‌الدین ابوزید عبدالرحمن بن محمد بن خطاب، مشهور به ابن خلدون، در ۲۷ می سال ۱۳۳۲ میلادی در تونس چشم به جهان گشود. خانواده‌اش از تبار اندلس (اسپانیا) بودند که چند قرن پیش‌تر به شمال آفریقا مهاجرت کرده بودند. از کودکی، قرآن، فقه، اخلاق، کلام، مردم‌شناسی، نجوم، اقتصاد، تاریخ، هندسه، جبر، حساب، لغت، فلاحت، شعر، منطق، ریاضی، فلسفه ماوراءطبیعی و سیاست را آموخت. ابن خلدون سال‌های جوانی را با تلخی‌هایی پشت سر گذاشت؛ چون پدر، مادر و بیشتر استادان خود را به دلیل بیماری وبا از دست داده بود تا ۲۰ سالگی در تونس سکونت داشت و پس از آن راهی مغرب شد که امروزه شامل مراکش و الجزایر است.

فعالیت سیاسی و ورود به دربار

ابن خلدون از نوجوانی وارد دستگاه اداری و دیوانی دربار سلطان شد و در جایگاه دبیر دیوان، طعم سیاست و کارگزاری حکومتی را چشید. اما روح عدالت‌خواه و آرمان‌گرای او، خیلی زود او را در تقابل با صاحبان قدرت قرار داد. مخالفت با پذیرش مشروعیت الهی مطلق برای حاکمان، دلیل اصلی دو سال زندانی شدنش بود. در ۴۲ سالگی، ابن خلدون بعد از دوده فعالیت سیاسی، زندگی تازه‌ای آغاز کرد. سکوت و خلوت را به سیاست ترجیح داد و به پژوهش و تالیف روی آورد. ثمره این تغییر مسیر، نگارش کتاب سترگ «مقدمه» بود؛ اثری که آواز آن فراتر از جهان اسلام رفت و او را به عنوان یکی از مهم‌ترین متفکران تاریخ فرهنگی و اجتماعی بشریت معرفی کرد.

روزهای پرنوسان دانشمند بزرگ

ابن خلدون در دوره‌ای مورد توجه وزیر قدرتمند، لسان‌الدین بن خطیب قرار گرفت که نقش مهمی در موفقیتش داشت. پس از مأموریتی برای ایجاد صلح بین حاکمان اسپانیا و غرناطه (قرنطاطه)، به دلیل ناراحتی ابن خطیب از نفوذ او، مجبور به ترک شهر



نگاهی نو به جامعه و تاریخ

ابن خلدون چطور علم تاریخ را متحول و نظام‌مند کرد و بنیان‌گذار جامعه‌شناسی شهری، روستایی، عشایری و... شد؟

اثر جاودان ابن خلدون، «مقدمه» (یا همان بخش آغازین کتاب العبر)، از نگاه بسیاری شاهکار فلسفی و تاریخی جهان اسلام است. ابن خلدون در این کتاب، برای نخستین بار از دانشی جدید به نام علم العمران سخن گفت؛ دانشی که به مطالعه جامعه‌های انسانی، ساختارها، مناسبات و کیفیت زندگی مردم می‌پردازد. موضوع علم العمران نزد او، بررسی وضعیت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی اجتماع انسانی و تغییرات آن بود. کتاب مقدمه در شش باب نگاشته شده که در هر یک، ابن خلدون به تحلیل و بررسی جوامع شهری، روستایی و عشایری، سرزمین‌های آباد و ویران، مناسبات بادیه‌نشین و شهرنشین، نظام‌های سیاسی و اقتصادی، هنرها، شغل‌ها و دانش‌ها می‌پردازد. او با رویکردی نظام‌مند، این پدیده‌ها را بررسی و دسته‌بندی کرد که امروزه می‌توان اندیشه‌های او را بر چتر جامعه‌شناسی شهری، روستایی، عشایری، اقتصادی، سیاسی، هنر و مردم‌شناسی قرار داد. ابن خلدون همراه با تحلیل مسائل اجتماعی و فرهنگی، مبانی روش‌شناسی جدی را هم مطرح کرد تا آن‌جا که بسیاری او را بنیان‌گذار اخلاقی جامعه‌شناسی لقب داده‌اند.

فلسفه تاریخ در نگاه ابن خلدون

ابن خلدون تاریخ را در آمیخته با تمدن بشری می‌دانست و معتقد بود تاریخ فقط گزارشی از وقایع، جنگ‌ها، خلع و نصب‌ها و اتفاقات مشهور نیست. او با نگاهی ژرف، میان ظاهر تاریخ و باطن آن تفاوت قائل شد: ظاهر تاریخ همان رویدادهاست، اما باطن تاریخ، قوانین و معناهایی است که پشت این رویدادها نهفته است. از نظر ابن خلدون، حرکت تمدن‌ها و سیر رویدادها، از یک نظم و قاعده علمی پیروی می‌کند؛ اوج گرفتن و سقوط تمدن‌ها، تصادفی و بی‌معنا نیست، بلکه بر پایه قانون‌مندی‌هایی رخ می‌دهد که می‌توان آن‌ها را شناسایی و حتی آینده‌را پیش‌بینی کرد.

امید به معناداری و هدف تاریخ

ابن خلدون، به عنوان یک متفکر مسلمان، باور داشت که حرکت تاریخ ناآگاهانه و کور نیست. او تاریخ را دارای فلسفه‌ای مشخص، هدفمند و امیدبخش می‌دانست. از نگاه وی، فرجام تاریخ، تحقق عدالت اجتماعی و سعادت انسانی است. این ایده که تاریخ دارای معنا، ساختار و هدف‌مندی است، بعدها تأثیر ژرفی بر اندیشه‌های فیلسوفان تاریخ بر جای



اقلیم: زادگاه تمدن‌ها و روحیات ملل

ابن خلدون را می‌توان جزو اولین متفکرانی دانست که بر تأثیر اقلیم روی خلق و خوی مردم تأکید داشت

ابن خلدون، اندیشمند بزرگ قرن چهاردهم، از جمله نخستین متفکرانی است که بار و یکری علمی، به نقش سرنوشت‌ساز محیط طبیعی بر روحیات و شکل‌گیری تمدن‌ها توجه داش. او زمین را به هفت اقلیم تقسیم می‌کند و معتقد است تمدن واقعی تنها در اقلیم‌های سوم، چهارم و پنجم شکل گرفته است؛ جایی که شرایط جغرافیایی و اقلیمی متعادل، زمینه‌ساز رشد فرهنگ و تمدن فراهم ساخته است. در مقابل، اقلیم‌های اول و دوم، گرم و خشک، زادگاه افراد سیاه‌پوست و اقلیم‌های ششم و هفتم (سرد و سخت)؛ زیستگاه سفیدپوستان بوده و به باور او، دچار افراط و تفریط در خلق و خو هستند. به گفته ابن خلدون پیشگامان تمدن هم در همین اقلیم‌های متعادل ظهور کرده‌اند.

در مواد خوراکی زمینه‌ساز پستی اخلاق، هوس‌گرایی و دوری از معنویت می‌شود. در مقابل، کسانی که کم‌خوراکن‌ترند، به‌ویژه بادیه‌نشینان، هم از چهره و سلامت جسمانی بهتری برخوردارند و هم خلق و خویی متعادل‌تر دارند. این نگاه، تا حد زیادی به نقد سبک زندگی و تغذیه شهرنشینان می‌پردازد.

مسئولیت دولت؛ هدایت انسان در بستر طبیعت

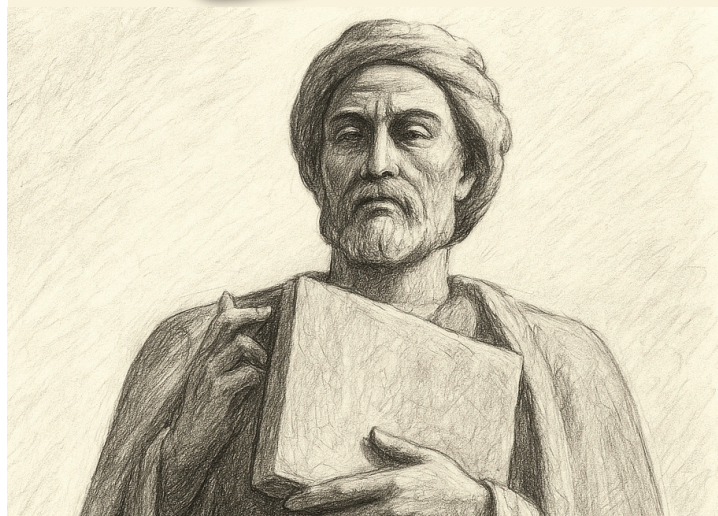
ابن خلدون، در نهایت، به این جمع‌بندی می‌رسد که تأثیر محیط، آب و هوا و تغذیه بر انسان، انکارناپذیر است، اما او اعتقاد دارد که جامعه نباید فرد را به حال خود و اسیر شرایط طبیعی رها کند. به باور این متفکر، نقش دولت حیاتی است؛ چرا که وظیفه دارد با هدایت و آموزش مردم را به سوی عقلانیت و معنویت سوق دهد تا تأثیرات محیط، صرفاً شخصیت انسان را شکل ندهد.

ZENDEGI-SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

سه شنبه ۶ خرداد ۱۴۰۴
۲۹ دی القعه ۱۴۴۶ • ۲۷ می ۲۰۲۵
شماره ۲۱۷۹۹

۲۹۹۸



تطبیق اندیشه‌های ابن خلدون

با جامعه‌شناسی معاصر

ابن خلدون، متفکری که قرن‌ها پیش از پیدایش جامعه‌شناسی مدرن زیسته، چنان دیدگاه‌های عمیق و دقیقی درباره ساختار و تحولات جوامع ارائه داده که امروزه پژوهشگران، او را پیشگامی پنهان در میان نظریه‌پردازان معاصر می‌دانند. آثار او به‌ویژه «مقدمه» نه‌فقط زبانی تاریخی، بلکه هم‌نشینی شگفت‌انگیزی با پایه‌های مفهومی جامعه‌شناسی امروز دارد؛ از تحلیل چرخه‌های قدرت تا نقش محیط زیست و همبستگی گروهی. در ادامه، نقاط اشتراک جالب و آموزنده ابن خلدون با نظریه‌پردازان بزرگ معاصر را مرور می‌کنیم.

تحلیل ساختارهای اجتماعی ابن خلدون در کتاب مقدمه خود ساختارهای اجتماعی، ظهور و افول حکومت‌ها و پویایی قدرت را تحلیل می‌کند؛ درست مانند جامعه‌شناسان معاصر که به چرخه‌های قدرت و تحولات اجتماعی توجه ویژه نشان می‌دهند. نگاه او به چرخه‌های تاریخی دولت‌ها و امپراتوری‌ها و توجه به جابه‌جایی قدرت، مورد بحث نظریه‌پردازانی مانند ماکس وبر و زیمل هم قرار گرفته است. او با تکیه بر مشاهدات عینی توضیح می‌دهد که چگونه گروه‌ها و جوامع از او تا انحطاط حرکت می‌کنند و چه عواملی این چرخه را تعیین می‌کند.

نقش کلیدی هم‌بستگی اجتماعی یکی از مفاهیم محوری ابن خلدون «عصبیت» یا همان هم‌بستگی اجتماعی است. او توضیح می‌دهد که قدرت گروه و انسجام اجتماعی ستون اصلی ثبات و دوام هر جامعه یا حکومت است، و با کاهش این انسجام، افول و فروپاشی آغاز می‌شود. این ایده با مفاهیم مدرن «همبستگی اجتماعی» و «پیوستگی گروهی» در جامعه‌شناسی امروز تطابق بالایی دارد.

اثر عوامل محیطی ابن خلدون بر تأثیر محیط و عوامل جغرافیایی بر رفتارها و روابط انسانی تأکید می‌کند. این نگاه به رابطه جامعه / محیط، امروزه در شاخه‌هایی چون جامعه‌شناسی محیط زیست و جغرافیای انسانی بسیار مورد توجه است. او تأکید می‌کند آب‌وهوا، اقلیم و جغرافیا، خلق و خو و ساختار اجتماعی مردم را شکل می‌دهد.

تأکید بر مشاهده و تحلیل تاریخی ابن خلدون بر پایه مشاهده دقیق و تحلیل‌های عینی از تاریخ و وقایع اجتماعی به قضاوت می‌رسد. مشابه با رویکردهای تجربی و داده‌محور در جامعه‌شناسی معاصر. او از توصیف صرف فراتر می‌رود و رخدادهای تاریخی و تغییرات اجتماعی را به شکل علمی و علی‌بررسی می‌کند.

